

## بررسی سبک‌های مدیریت کلاس درس اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی کاشان

محمد امینی<sup>۱\*</sup>، حمید رحیمی<sup>۲</sup>، زهرا غلامیان برزکی<sup>۳</sup>

۱. دکترای تخصصی برنامه‌ریزی درسی، گروه برنامه‌ریزی درسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران
۲. دکترای تخصصی مدیریت آموزشی، گروه برنامه‌ریزی درسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی، گروه برنامه‌ریزی درسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

دریافت مقاله: ۹۳/۴/۲      آخرین اصلاح مقاله: ۹۳/۵/۱۸      پذیرش مقاله: ۹۳/۵/۱۸

**زمینه و هدف:** مدیریت کلاس درس، متغیری کلیدی در ایجاد جو مطلوبی برای آموزش و یادگیری فراگیران به شمار می‌آید. امروزه تجهیز استادان به مهارت‌های مدیریتی در برنامه‌ریزی برای آموزش‌های حرفه‌ای به ویژه آموزش پزشکی ضرورت دارد. هدف از انجام تحقیق حاضر، بررسی سبک‌های مدیریت کلاس درس اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی کاشان بود.

**روش کار:** این پژوهش از نوع توصیفی-پیمایشی بود و جامعه آماری آن شامل همه استادان دانشگاه علوم پزشکی کاشان (۱۸۲ نفر) بود که از طریق نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای، ۱۱۴ نفر به دست آمد. از پرسش‌نامه استاندارد سبک مدیریت کلاس در قالب ۲۵ سؤال چهار گزینه‌ای و سه سبک مدیریت آموزش (سوالات ۱-۱۳)، مدیریت افراد (سوالات ۱۴-۲۱) و مدیریت رفتار (سوالات ۲۵-۲۱) بر مبنای سه رویکرد (مداخله‌گر، تعاملی و غیر مداخله‌گر) استفاده شد. روایی پرسش‌نامه به صورت محتوایی مورد تأیید قرار گرفت. پایایی پرسش‌نامه نیز از طریق ضریب Cronbach's alpha برابر با ۰/۸۲ برآورد گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو سطح توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار) و استنباطی (آزمون‌های t، ANOVA و Independent t) با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام گرفت.

**یافته‌ها:** میانگین هر یک از مؤلفه‌های مدیریت کلاس از میانگین فرضی (۲/۵) بیشتر به دست آمد. بالاترین میانگین مربوط به سبک مدیریت آموزش (۲/۷۵) و با توجه به میانگین حاصل شده (۶۸/۲۸)، مدیریت کلاس به صورت رویکرد مداخله‌گر بود.

**نتیجه‌گیری:** استادان دانشگاه به مدیریت آموزش بیشترین توجه و به مدیریت رفتار کمترین توجه را دارند و مدیریت افراد در درجه دوم اهمیت قرار دارد.

**کلید واژه‌ها:** دانشگاه علوم پزشکی، سبک مدیریت کلاس، رویکرد مدیریت، اعضای هیأت علمی، ایران

\*نویسنده مسؤول: گروه برنامه‌ریزی درسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

• تلفن: ۰۳۱-۵۵۹۱۲۷۲۶      • نامبر: ۰۳۱-۵۵۹۱۲۷۲۶

## مقدمه

کلاس درس خط مقدم فعالیت‌های آموزشی و تربیتی و جایگاهی جهت آماده نمودن افراد برای زندگی در جهان در حال تغییر است (۱). Marzano و Marzano با اشاره به این واقعیت که عوامل متعددی در فرایند تدریس اثربخش مؤثر می‌باشند، معتقد هستند که مهم‌ترین عوامل تعیین کننده در این زمینه به فعالیت‌ها و اقداماتی مربوط می‌گردد که در قالب مدیریت کلاس درس توسط معلمان، استادان و مجریان برنامه‌های درسی انجام می‌شود (۲).

در میان ۲۲۸ متغیر تأثیرگذار بر روی پیشرفت تحصیلی فراگیران، مدیریت کلاس درس مستقیم‌ترین نقش را ایفا می‌کند. از دهه ۱۹۸۰ به بعد توجه و تأکید قابل توجهی از جانب متخصصان آموزشی به بررسی نقش و جایگاه مهم مدیریت کلاس درس صورت گرفت (۳). از دیدگاه صاحب‌نظران، مدیریت کلاس شامل مدیریت زمان، فضا، فعالیت‌ها، مواد و وسایل، تعاملات اجتماعی و رفتار یادگیرندگان می‌باشد (۴). بر طبق نظر کارشناسان، ابعاد اصلی مهارت‌های مدیریت کلاس درس شامل فراهم کردن حمایت علمی و عاطفی، نظارت دقیق و مستمر بر کلاس و مدیریت تعارض می‌باشد (۵).

مدیریت کلاس درس فرایندی چرخشی است که شامل طراحی پیشرفته، اجرا، ارزیابی در طول اجرا و ارزیابی نهایی می‌باشد و عوامل مربوط به فراگیران و محیط آن‌ها را در نظر گرفته، موجب پیشرفت در فعالیت‌های انجام شده برای یادگیری فراگیران در کلاس می‌شود (۶). خلخالی نیز تصریح کرد که کلاس درس به عنوان کوچک‌ترین خرده سیستم نظام آموزشی به دنبال تحولات و تغییرات اجتماعی و آموزشی در حال تغییر می‌باشد. بنابراین نقش معلمان و استادان و سبک مدیریتی آنان در تحقق اهداف آموزشی و تربیت یادگیرندگانی متناسب با جهان امروز، بسیار مهم و اساسی است (۷).

مدیریت کلاس درس مفهومی چند بعدی و شامل سه جنبه اساسی «شخصیت، تدریس و نظم و انضباط» می‌باشد.

شخصیت شامل باورهای مدرس درباره شخصیت فراگیران و آن دسته از فعالیت‌های اوست که به رشد فردی یادگیرندگان کمک می‌کند. عنصر تدریس بر تمام اعمال و فعالیت‌هایی ناظر است که مدرس برای ایجاد و بسط فعالیت‌های یادگیری در کلاس درس و نحوه مدیریت زمان و مکان انجام می‌دهد. انضباط نیز به آن دسته از فعالیت‌های مدرسان اشاره دارد که ناظر بر تعیین و تدوین استانداردهای مناسب رفتار در کلاس درس می‌باشد (۸). کلاس درسی که دارای انسجام و اهداف روشن باشد و دستخوش بی‌نظمی و تعارض نشود، فرصت‌های بسیار بیشتری برای یادگیری و به تبع آن موفقیت درسی یادگیرندگان خود فراهم می‌آورد (۹).

Walfgang و Glickman سه سبک مدیریت آموزش، مدیریت رفتار و مدیریت افراد را برای مدیریت کلاس برشمردند. مدیریت آموزش شامل جنبه‌هایی مانند نظارت بر محیط کلاس، ساخت‌دهی فعالیت‌های روزانه برنامه درسی و تخصیص مواد آموزشی برای فراگیران است. مدیریت افراد به اعتقاد مدرس درباره فراگیران و تلاش‌های وی برای توسعه روابط با فراگیران می‌باشد. مدیریت رفتار ارتباط تنگاتنگی با مدیریت افراد دارد و بخش مهمی از مدیریت کلاس است. این جنبه شامل استراتژی‌های انضباطی می‌باشد که به منظور جلوگیری از بدرفتاری فراگیران به کار می‌رود. فرایندهایی همچون تعیین قوانین، تعیین ساختار پاداش و فراهم کردن فرصت‌هایی برای خودانضباطی فراگیران در این حیطه جای دارد (۱۰). Walfgang و Glickman بر این باور هستند که می‌توان سه نوع رویکرد مدیریت کلاس یعنی «رویکرد غیر مداخله‌گر، مداخله‌گر و تعاملی» را شناسایی و از هم متمایز ساخت (۱۰).

رویکرد غیر مداخله‌گر بر پایه این اعتقاد و باور شکل گرفته است که هر فرد دارای نیازهای خاص خود می‌باشد و تمایل دارد که به شیوه موردنظر خود این نیازها را مرتفع نماید. بنابراین مدیر موظف است که شرایط لازم برای ارضای این نیازها همراه با اعمال حداقل کنترل بر مدرسان را فراهم نماید.

هستند که پایین‌ترین عملکرد تحصیلی را دارند (۱۴). نتایج تحقیق Evrim و همکاران ضمن تأکید بر نقش و تأثیر قابل ملاحظه مدیریت کلاس درس بر ایجاد و رشد انگیزه تحصیلی، مشارکت در فعالیت‌های درسی و افزایش سطح پیشرفت یادگیرندگان، این نکته را نیز مورد تأیید قرار داد که بین باورهای معلمان و سبک و شیوه مدیریت کلاس آن‌ها رابطه وجود دارد (۱۵).

Kukuru در تحقیق خود به این نتیجه رسید که مدیریت کلاس و درس، زمینه‌ساز آموزش مؤثر و کیفی و تضمین‌کننده ایجاد یک محیط کلاسی سالم و بدون عیب می‌باشد (۱۶). مطالعه‌ای نشان داد که سازماندهی و نظم بخشیدن به محیط کلاس درس باعث ایجاد نظم کلاسی و ارایه آموزش‌های منطبق با نیازهای یادگیرندگان می‌گردد (۱۷). نتیجه تحقیق Kostis و Efthymia در زمینه مدیریت کلاس‌های درس مدارس چند فرهنگی، مشکلات خاص اداره این نوع کلاس‌ها را مستند نمود و موفقیت در این زمینه را مشروط به قابلیت‌های آموزشی، شخصی و رفتاری معلمان دانست (۱۸).

رمضانی‌نژاد در پژوهش خود بیان نمود که از دیدگاه معلمان تربیت بدنی، پرخاشگری و بی‌نظمی دو مشکل عمده رفتاری شایع در مدیریت کلاس آن‌ها می‌باشد. همچنین از میان روش‌های گوناگون مدیریت کلاس، روش ارتباط مثبت عاطفی و اجتماعی و نظارت و کنترل بر کلاس در بیشتر مواقع توسط معلمان انجام می‌گیرد (۱۹). شریفیان و همکاران گزارش کردند که استادان در دو زمینه «مدیریت آگاهانه کلاس‌های درس و رفتار محترمانه دانشجویان» دارای ویژگی‌های بارزی هستند. همچنین عملکرد استادان بر حسب دانشکده و مرتبه علمی تفاوت معنی‌داری ندارد، اما این عملکرد بر مبنای سابقه تدریس متفاوت می‌باشد (۲۰).

نیاز آذری و همکاران نشان دادند که دانشجویان دانشگاه آزاد، استادان خود را در زمینه تدریس، برقراری ارتباط، علاقمندی به تدریس و مشارکت دادن فراگیران در یادگیری کارآمد ارزیابی کرده‌اند. علاوه بر این، دانشجویان رشته‌های

رویکرد غیر مداخله‌گر، واگذاری مسؤلیت‌ها به فراگیران و فرصت بیشتر برای تعامل آزاد در کلاس و پیروی آن‌ها از علائق شخصی خود است. رویکرد مداخله‌گر همواره بر این نکته تأکید می‌کند که رشد هر فردی به طور کامل متأثر از محیط بیرونی خود (مستقل از افراد و امکانات) می‌باشد، بنابراین مدرس باید شرایط موجود را تحت نظارت و کنترل دقیق و شدید خود قرار دهد. در این رویکرد، تأکید بر اعمال کنترل و نظارت بیشتر بر فعالیت‌ها و رفتار فراگیران است (۱۰).

در نهایت رویکرد تعاملی به عنوان یک رویکرد بینابینی یا حد وسط بر تعامل یا تأثیر متقابل فرد و محیط تأکید می‌نماید. در این رویکرد نظارت و کنترل بر موقعیت کلاسی بین مدرس و یادگیرندگان تقسیم می‌شود و کنترل و انضباط در سایه تعامل میان فراگیر و مدرس و سهیم شدن فراگیر در برنامه‌ریزی و سازماندهی کلاس صورت می‌گیرد (۱۰).

Kaykci نشان داد بین مهارت‌های مدیریت کلاس معلمان و بی‌انضباطی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد (۱۱). Adeyemo در پژوهش خود رابطه مستقیمی را بین مهارت‌ها و تکنیک‌های مدیریت کلاس اثربخش معلمان با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان گزارش کرد (۱۲). Ghias و Ahmed انتخاب و به کارگیری مدیران مجرب و آموزش دیده در زمینه سبک‌های مدیریتی کلاس درس در راستای ارتقای عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان را مورد تأکید قرار دادند و ضرورت طراحی و اجرای آموزش‌های ضمن خدمت برای پیشبرد سبک‌های رهبری مدیران را گوشزد نمودند (۱۳).

Stojiljković و Djigić به این نتیجه رسیدند که مزایا و ابعاد مثبت سبک مدیریت تعاملی در مقایسه با سبک‌های مداخله‌گر و غیر مداخله‌گر بسیار بیشتر است. همچنین استادان و دانشجویان از فضاهای آموزشی ناشی از سبک تعاملی بسیار رضایت دارند. در واقع زمانی که استادان از سبک تعاملی استفاده می‌کنند، سطح پیشرفت درسی دانشجویان در بالاترین حد می‌باشد؛ در حالی که استادان مداخله‌گر دارای فراگیرانی

فنی و مهندسی و علوم پایه، استادان مرد را در زمینه مدیریت کلاس کارآمدتر از استادان زن ارزیابی نمودند. بر عکس دانشجویان رشته‌های علوم انسانی و علوم پزشکی ارزیابی بهتر و مثبت‌تری از عملکرد مدیریتی استادان زن در مقایسه با استادان مرد داشتند (۲۱). بر اساس مطالعه رجایی‌پور، میانگین عملکرد نمره معلمان در انجام کارکردهای طراحی، سازماندهی، رهبری و نظارت کمی بالاتر از حد متوسط می‌باشد و در زمینه ارزشیابی کمتر از حد متوسط عمل کرده‌اند (۲۲). در عین حال، یافته‌ها نشان داد که هر کدام از کارکردهای مدیریت به طور جداگانه با یکدیگر و با جو یادگیری همبستگی مثبت و معنی‌داری داشته است.

پژوهش صمدی و همکاران حاکی از آن بود که معلمان دوره راهنمایی کارکردهای طراحی و سازماندهی رهبری و نظارت را کمی بالاتر از حد متوسط و کارکرد ارزشیابی را پایین‌تر از حد متوسط برآورد کردند و کارکردهای مدیریت کلاس درس با جو یادگیری همبستگی مثبت و معنی‌داری نشان داد (۲۳). عالی و امین یزدی دریافتند که میان سبک‌های مدیریت کلاس معلمان بر اساس مدرک تحصیلی و رشته تحصیلی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. هرچند که این تفاوت در زمینه متغیرهای سابقه خدمت و جنسیت معنی‌دار نبود (۲۴). آریاپوران و همکاران در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که سبک مدیریت تعاملی، قوی‌ترین متغیر برای پیش‌بینی سطح انگیزش درس ریاضی دانش‌آموزان می‌باشد. به علاوه، سبک‌های مدیریت تعاملی و مداخله‌گر قوی‌ترین متغیرها برای پیش‌بینی سطح پیشرفت ریاضی دانش‌آموزان هستند (۲۵). رحیمی و اسدالهی نیز در پژوهش خود گزارش کردند که بیشتر مدرسان زبان انگلیسی به استفاده از سبک مدیریتی مداخله‌گر گرایش دارند (۲۶).

به طور کلی مدیریت کلاس درس متغیری کلیدی در ایجاد جو مطلوبی برای آموزش و یادگیری فراگیران به شمار می‌رود. امروزه تجهیز استادان به مهارت‌های کارآمد مدیریتی در برنامه‌ریزی برای آموزش‌های حرفه‌ای به ویژه آموزش پزشکی،

ضرورتی غیر قابل انکار است. بنابراین شناخت عوامل مرتبط با سبک‌های اثربخش مدیریت کلاس به منزله پیش‌نیازی در طراحی روش‌های توسعه سبک‌ها و مهارت‌های مدیریتی اهمیت دارد. بنابراین پژوهش حاضر با هدف بررسی سبک‌های مدیریت کلاس درس استادان و اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی کاشان انجام شد و درصدد بود تا بررسی نماید که گرایش استادان دانشگاه به سمت کدام رویکرد مدیریت (مداخله‌گر، تعاملی و غیر مداخله‌گر) می‌باشد؟، استادان دانشگاه به کدام یک از سبک‌های مدیریت کلاس (مدیریت آموزش، مدیریت رفتار و مدیریت افراد) اهمیت بیشتری می‌دهند؟ و آیا تفاوتی بین استفاده استادان از سبک‌های مدیریت کلاس بر حسب ویژگی‌های دموگرافیک (جنسیت، رشته تحصیلی، سابقه خدمت، وضعیت استخدام و مرتبه علمی) وجود دارد؟

### روش کار

این پژوهش از نوع توصیفی-پیمایشی و جامعه آماری آن شامل همه استادان دانشگاه علوم پزشکی شهر کاشان (۱۸۲ نفر) در سال ۹۳-۱۳۹۲ بود. از آن‌جا که واریانس جامعه آماری در پژوهش حاضر نامعلوم بود، انجام یک مطالعه مقدماتی بر روی تعدادی از اعضای هیأت علمی ضروری به نظر رسید. بنابراین ۳۰ نفر از اعضای هیأت علمی به صورت تصادفی انتخاب و پرسش‌نامه‌ها میان آن‌ها توزیع گردید. پس از استخراج داده‌های مربوط به پاسخ‌های گروه مقدماتی و پیش‌برآورد واریانس، حجم نمونه آماری پژوهش با استفاده از فرمول Cochran، ۱۱۴ نفر به دست آمد. در تحقیق حاضر از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم استفاده شد. بر این اساس از ۱۲۳ عضو هیأت علمی مرد، ۷۷ نفر و از ۵۹ عضو هیأت علمی زن، ۳۷ نفر به عنوان نمونه انتخاب گردید.

از پرسش‌نامه استاندارد Wolfgang و Glickman (۱۰) و با الگوگیری از پرسش‌نامه باورهای معلمان در خصوص کنترل کلاس (Attitudes and beliefs of classroom control) یا

۰/۸۳، مدیریت افراد ۰/۷۷ و مدیریت رفتار ۰/۸۰ برآورد گردید که نشان دهنده پایایی بالای این پرسش‌نامه می‌باشد. پس از اجازه اجرای طرح از طرف مسئولان دانشگاه علوم پزشکی کاشان، از تمام شرکت کنندگان رضایت‌نامه جهت اجرای طرح گرفته و به آنان اطمینان داده شد که پرسش‌نامه‌ها بدون نام خواهد بود، نتایج محرمانه است و در انتها به آنان اعلام خواهد شد. مدت زمان مناسبی برای تکمیل پرسش‌نامه طرح در نظر گرفته شد. محقق با دادن این توضیحات، پرسش‌نامه‌ها را توزیع و در مدت دو هفته تکمیل و جمع‌آوری نمود. تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو سطح توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار) و استنباطی (آزمون‌های  $t$ ، ANOVA و Independent  $t$ ) با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۸ (version 18, SPSS Inc., Chicago, IL) انجام گرفت.

### یافته‌ها

تعداد اعضای هیأت علمی مرد، ۶۷ درصد و زن ۳۳ درصد بود. بیشتر اعضای هیأت علمی سابقه خدمت ۱۰-۱ سال (۴۷ درصد) و کمترین آنان سابقه خدمت ۳۰-۲۱ سال (۲۱ درصد) داشتند. تعداد اعضای هیأت علمی با مرتبه علمی مربی (۵۸ درصد) بیشتر از دیگر اعضای هیأت علمی و کمترین تعداد متعلق به مرتبه استاد (۴ درصد) بود. تعداد اعضای هیأت علمی با وضعیت استخدامی پیمانی (۳۹ درصد) درصد بیشتری نسبت به گروه‌های رسمی قطعی و رسمی آزمایشی را به خود اختصاص دادند.

طبق داده‌های جدول ۱، میانگین هر یک از مؤلفه‌های مدیریت کلاس از میانگین فرضی (۲/۵) بیشتر بود و فرض ادعای پژوهشگر مورد تأیید قرار گرفت. بالاترین میانگین مربوط به سبک مدیریت آموزش (۲/۷۵) به دست آمد. همچنین با توجه به میانگین حاصل شده در مورد رویکرد مدیریت کلاس (۶۸/۲۸)، مدیریت کلاس به صورت رویکرد مداخله‌گر تعیین گردید. با توجه به این که نمرات در طیفی از ۱۰۰-۲۵ و میانگین

Martin (ABCC) و Baldwin (۸) به سنجش سبک مدیریت کلاس درس دانشگاه درباره کنترل کلاس بر مبنای سه رویکرد (مداخله‌گر، تعاملی و غیر مداخله‌گر) پرداخته شد. پرسش‌نامه دارای دو نوع سؤال بود که ۵ سؤال آن ویژگی‌های عمومی و ۲۵ سؤال به صورت چهار گزینه‌ای در سه مؤلفه (مدیریت رفتار، افراد و آموزش) طرح گردید. نمره‌گذاری پرسش‌نامه در مقیاس لیکرت (هرگز = ۱، تا اندازه‌ای = ۲، معمولاً = ۳ و همیشه = ۴) و نمره‌گذاری سؤالات ۲۴، ۲۲، ۱۹-۱۵، ۱۳، ۱۲، ۹ و ۳ به صورت معکوس انجام شد.

سه مؤلفه نیز شامل مدیریت آموزش (سؤالات ۱۳-۱)، مدیریت افراد (سؤالات ۲۱-۱۴) و مدیریت رفتار (سؤالات ۲۵-۲۱) بود. برای سنجش مدیریت رفتار، افراد و آموزش و با توجه به این که مقیاس پرسش‌نامه چهار درجه‌ای بود، میانگین فرضی برابر با ۲/۵ به عنوان مبنای تحلیل پرسش‌نامه در نظر گرفته شد. همچنین برای تعیین نوع رویکرد مدیریت (مداخله‌گر، تعاملی و غیر مداخله‌گر)، نمرات در طیف ۱۰۰-۲۵ قرار گرفت و میانگین نمرات ۶۲/۵ به دست آمد. نمره بالا در این طیف نشانگر سبک مدیریت مداخله‌گر و نمره پایین نمایانگر سبک غیر مداخله‌گر و سبک تعاملی در نقطه میانی این دو طیف قرار داشت. این پرسش‌نامه برای اولین بار در ایران توسط عالی و امین یزدی بر روی معلمان اجرا شد و هنجاریابی و اعتباریابی آن نیز توسط همین افراد صورت گرفت (۲۴). در تحقیق حاضر روایی پرسش‌نامه به صورت محتوایی توسط متخصصان و کارشناسان تأیید گردید. به منظور تعیین روایی صوری و محتوایی، پرسش‌نامه در اختیار ۱۰ نفر از متخصصان قرار گرفت و بعد از دریافت نظرات آنان، اصلاحات ضروری در پرسش‌نامه‌ها انجام شد.

پایایی پرسش‌نامه مدیریت کلاس در پژوهش عالی و امین یزدی ضریب از طریق ضریب Cronbach's alpha برابر با ۰/۶۸ به دست آمد (۲۴). جهت تعیین پایایی پرسش‌نامه در تحقیق حاضر از ضریب Cronbach's alpha استفاده شد که برای مدیریت کلاس ۰/۸۲ و به تفکیک برای مدیریت آموزش

نمرات ۶۲/۵ است، نمره بالا در این طیف نشانگر رویکرد و رویکرد تعاملی در نقطه میانی قرار می‌گیرد. مدیریت مداخله‌گر و نمره پایین نمایانگر رویکرد غیر مداخله‌گر

جدول ۱: مقایسه میانگین مؤلفه‌های مدیریت کلاس

متغیر	تعداد	میانگین	حداقل میانگین	حداکثر میانگین	درجه آزادی	t	P
مدیریت آموزش	۱۱۴	۲/۷۵ ± ۰/۲۸	۲/۲۳	۳/۳۸	۱۱۳	۹/۵۵	< ۰/۰۰۱
مدیریت افراد	۱۱۴	۲/۷۳ ± ۰/۳۶	۱/۶۲	۳/۷۵	۱۱۳	۶/۸۶	< ۰/۰۰۱
مدیریت رفتار	۱۱۴	۲/۶۶ ± ۰/۴۴	۱/۵۰	۴/۰۰	۱۱۳	۸/۹۰	< ۰/۰۰۱
رویکرد مدیریت	۱۱۴	۶۸/۲۸ ± ۵/۷۸	۵۵/۰۰	۸۴/۰۰	۱۱۳	۱۰/۶۸	< ۰/۰۰۱

میانگین سبک مدیریت آموزش در اعضای هیأت علمی مرد، سبک مدیریت رفتار در اعضای هیأت علمی زن و سبک مدیریت رفتار در اعضای هیأت علمی مرد کمی بیشتر از جنس

جدول ۲: مقایسه میانگین مؤلفه‌های مدیریت کلاس بر حسب جنسیت

متغیر	جنسیت	تعداد	میانگین	t	P
مدیریت آموزش	زن	۳۷	۲/۷۴	-۰/۲۵	۰/۸۱۰
	مرد	۷۷	۲/۷۶		
مدیریت افراد	زن	۳۷	۲/۷۵	۰/۲۶	۰/۷۹۰
	مرد	۷۷	۲/۷۳		
مدیریت رفتار	زن	۳۷	۲/۶۱	-۰/۸۵	۰/۴۰۰
	مرد	۷۷	۲/۶۹		

همان‌طور که در جدول ۳ نشان داده شده است، میانگین سبک مدیریت آموزش و مدیریت رفتار در اعضای هیأت علمی با سابقه ۱۱-۲۰ سال و سبک مدیریت رفتار در اعضای

جدول ۳: مقایسه میانگین مؤلفه‌های مدیریت کلاس بر حسب سابقه خدمت

متغیر	سابقه خدمت (سال)	تعداد	میانگین	F	P
مدیریت آموزش	۱-۱۰	۵۴	۲/۷۴	۰/۱۹۸	۰/۸۳۰
	۱۱-۲۰	۳۶	۲/۷۷		
	۲۱-۳۰	۲۴	۲/۷۳		
مدیریت افراد	۱-۱۰	۵۴	۲/۶۶	۰/۴۰۰	۰/۰۹۶
	۱۱-۲۰	۳۶	۲/۸۳		
	۲۱-۳۰	۲۴	۲/۷۵		
مدیریت رفتار	۱-۱۰	۵۴	۲/۶۰	۰/۸۳۰	۰/۴۴۰
	۱۱-۲۰	۳۶	۲/۶۸		
	۲۱-۳۰	۲۴	۲/۷۴		

جدول ۴ نشان داد که میانگین سبک مدیریت آموزش، افراد و رفتار در اعضای هیأت علمی رسمی آزمایشی کمی بیشتر از بقیه بود و این تفاوت‌ها برای مدیریت آموزش و مدیریت رفتار معنی‌دار بود، اما برای مدیریت افراد معنی‌دار نبود.

جدول ۴: مقایسه میانگین مؤلفه‌های مدیریت کلاس بر حسب وضعیت استخدامی

متغیر	وضعیت استخدامی	تعداد	میانگین	F	P
مدیریت آموزش	پیمانی	۴۴	۲/۷۰	۳/۷۲۰	۰/۰۲۷
	رسمی آزمایشی	۲۷	۲/۸۸		
	رسمی قطعی	۴۳	۲/۷۲		
مدیریت افراد	پیمانی	۴۴	۲/۶۷	۱/۸۰۰	۰/۱۷۰
	رسمی آزمایشی	۲۷	۲/۸۴		
	رسمی قطعی	۴۳	۲/۷۳		
مدیریت رفتار	پیمانی	۴۴	۲/۵۶	۳/۷۲۰	۰/۰۲۷
	رسمی آزمایشی	۲۷	۲/۸۵		
	رسمی قطعی	۴۳	۲/۶۴		

داده‌های جدول ۵ نشان داد که میانگین سبک مدیریت آموزش در اعضای هیأت علمی با مرتبه مربی، سبک مدیریت افراد و سبک مدیریت رفتار در اعضای هیأت علمی با مرتبه استاد در اعضای هیأت علمی با مرتبه استاد کمی بیشتر از بقیه بود، اما این تفاوت‌ها تنها در مورد مدیریت آموزش معنی‌دار مشاهده شد.

جدول ۵: مقایسه میانگین مؤلفه‌های مدیریت کلاس بر حسب مرتبه علمی

متغیر	مرتبه علمی	تعداد	میانگین	F	P
مدیریت آموزش	مربی	۶۶	۲/۸۱	۴/۶۴۰	۰/۰۰۴
	استادیار	۳۵	۲/۷۴		
	دانشیار	۹	۲/۴۷		
	استاد	۴	۲/۶۰		
مدیریت افراد	مربی	۶۶	۲/۷۸	۰/۰۹۷	۰/۳۵۰
	استادیار	۳۵	۲/۶۵		
	دانشیار	۹	۲/۶۷		
	استاد	۴	۲/۸۱		
مدیریت رفتار	مربی	۶۶	۲/۶۸	۰/۴۶۰	۰/۷۱۰
	استادیار	۳۵	۲/۶۵		
	دانشیار	۹	۲/۵۰		
	استاد	۴	۲/۶۹		

مدیریت کلاس (مداخله‌گر، تعاملی و غیر مداخله‌گر) و همچنین میزان اهمیتی که به هر یک از سبک‌های مدیریت آموزش، مدیریت افراد و مدیریت رفتار می‌دادند، بررسی

## بحث و نتیجه‌گیری

در مطالعه حاضر میزان گرایش استادان به رویکردهای

بین باورها و نگرش معلمان در مورد کنترل کلاس بر اساس جنسیت تفاوت معنی‌داری وجود ندارد (۲۹) و با نتایج تحقیقات بخشایش (۲۸) و عالی و امین یزدی (۲۴) مبنی بر این‌که بین سبک‌های مدیریت کلاس معلمان زن و مرد تفاوتی نیست، همخوانی دارد و با یافته‌های پژوهش Martin و Baldwin (۸) حاکی از مداخله بیشتر معلمان زن نسبت به معلمان مرد در مدیریت کلاس، مطابقت ندارد.

همچنین میانگین سبک مدیریت آموزش و سبک مدیریت افراد در اعضای هیأت علمی با سابقه خدمت ۲۰-۱۱ سال و سبک مدیریت رفتار در اعضای هیأت علمی با سابقه خدمت ۳۰-۲۱ سال کمی بیشتر از بقیه بود، اما این تفاوت‌ها از نظر آماری معنی‌دار مشاهده نشد. بنابراین سابقه خدمت بر مدیریت کلاس تأثیری ندارد. استادان دانشگاه با داشتن سابقه خدمت متفاوت، دارای سبک‌های مدیریت یکسانی هستند. این یافته با نتایج مطالعات علوی و سلیمانی (۲۹) و عالی و امین یزدی (۲۴) همخوانی دارد و با یافته‌های پژوهش‌های Martin و Baldwin (۸) و شریفیان و همکاران (۲۰) ناهمخوان است. آنان در پژوهش خود نشان دادند که عملکرد استادان بر حسب سابقه تدریس متفاوت می‌باشد و اعضای هیأت علمی دارای سابقه تدریس ۱۰-۱ سال نسبت به افراد دارای سابقه تدریس ۲۰-۱۱ سال در زمینه مدیریت کلاس عملکرد بهتری دارند (۲۰، ۸).

میانگین سبک مدیریت آموزش، افراد و رفتار در اعضای هیأت علمی رسمی آزمایشی کمی بیشتر از دیگران بود و این تفاوت‌ها برای مدیریت آموزش و مدیریت رفتار معنی‌دار به دست آمد، اما برای مدیریت افراد معنی‌دار نبود. از یافته‌ها استدلال شد که وضعیت استخدام بر سبک مدیریت تأثیری ندارد. سه سبک مدیریت آموزش، افراد و رفتار نشان داد که وضعیت استخدام بر روی مدیریت آموزش و رفتار اثر دارد. استادان با وضعیت استخدام پیمانی و رسمی قطعی در مدیریت آموزش گرایش بیشتری به سمت رویکرد مداخله‌گر دارند. نتایج حاکی از آن بود که میانگین سبک مدیریت آموزش در

گردید. نتایج نشان داد که میانگین هر یک از مؤلفه‌های مدیریت کلاس از میانگین فرضی بیشتر بود و فرض ادعای پژوهشگر مورد تأیید قرار گرفت. بالاترین میانگین مربوط به سبک مدیریت آموزش و همچنین نوع رویکرد مدیریت نیز به صورت مداخله‌گر بود. استادان دانشگاه به مدیریت آموزش بیشتر اهمیت می‌دهند و مدیریت افراد و رفتار در درجه دوم اهمیت قرار دارد. شاید علت اصلی این است که مدیریت آموزش شامل جنبه‌هایی همچون نظارت بر محیط کلاس، ساخت‌دهی فعالیت‌های روزانه برنامه درسی و تخصیص مواد آموزشی برای فراگیران می‌باشد (۲۴).

استادان بیشتر به علم و مطالب درسی علاقمند هستند و به سبب اطلاعات علمی وسیعی که دارند، می‌توانند شاگردان را به سوی خود جلب کنند. تأثیری که استادان درس‌نگر علمی دارند، تعلیمی است نه تربیتی. این استادان بیشتر تلاش خود را به مدیریت آموزش اختصاص می‌دهند تا مدیریت افراد، کمتر به علائق و نیاز دانشجوی توجه می‌کنند و اگر ارتباط مطلوب با شاگردان داشته باشند، می‌توانند در مدیریت کلاس خود موفق شوند. نتیجه این فرضیه با یافته‌های بررسی‌های Miller و Pedro (۲۷) مبنی بر مداخله‌گر بودن سبک بیشتر مدیریت کلاس استادان، یافته‌های تحقیقات عالی و امین یزدی (۲۴) و رحیمی و اسدالهی (۲۶) مبنی بر این‌که بیشتر معلمان ایرانی دارای سبک مداخله‌گر هستند، همخوانی دارد و با یافته‌های مطالعات بخشایش (۲۸)، علوی و سلیمانی (۲۹) و Djigić و Stojiljković (۱۴) مبنی بر تعاملی بودن باورها و نگرش‌های معلمان، مطابقت ندارد.

بر اساس نتایج مطالعه حاضر، میانگین سبک مدیریت آموزش در اعضای هیأت علمی مرد، سبک مدیریت رفتار در اعضای هیأت علمی زن و سبک مدیریت رفتار در اعضای هیأت علمی مرد کمی بیشتر از دیگران بود، اما این تفاوت‌ها از نظر آماری معنی‌دار مشاهده نشد. به طور کلی استادان مرد و زن از لحاظ اداره کلاس درس به سبک یکسانی گرایش دارند که این نتایج با یافته‌های مطالعه علوی و سلیمانی که دریافتند



معمول، همان روش سنتی سخنرانی است. بنابراین استادان اگر بخواهند از روش‌های مشارکتی و تعاملی استفاده کنند، نتایجی را که انتظار دارند به دست نخواهند آورد.

از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر، استفاده صرف از پرسش‌نامه‌های خودگزارش‌دهی برای ارزیابی متغیرها، محدود شدن نمونه پژوهش به اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی کاشان و بررسی و جمع‌آوری مقطعی داده‌ها بود.

بر اساس نتایج حاصل شده از تحقیق پیشنهاد می‌گردد که در نحوه جذب اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها دقت کافی صورت گیرد، اطلاعات و مهارت‌های آنان از طریق کارگاه‌های آموزشی به روز شود، در زمینه تخصصی و شیوه‌های تدریس و روان‌شناسی تربیتی و یادگیری مداوم به آنان مهارت‌آموزی گردد، از عملکرد استادان با تکیه بر نحوه تدریس، توان علمی و پژوهش‌های فردی و گروهی ارزیابی به عمل آید، از روش‌های تدریس تعاملی و دانشجو محورانه در کلاس استفاده شود و استادان به نیازهای اساسی دانشجویان توجه نمایند.

به دلیل گستردگی دامنه پژوهشی مدیریت کلاس و اهمیت آن، به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود که به بررسی تأثیر سبک‌های مدیریت کلاس بر خودانضباطی و مسؤولیت‌پذیری دانشجویان بپردازند و همچنین تأثیر عوامل درون دانشگاهی از جمله سبک مدیریت دانشگاه، قوانین دانشگاه، برنامه آموزشی و درسی، نظام سنجش و ارزشیابی آموزشی و سبک نظارت و ارزشیابی آموزشی و... را بر سبک مدیریت کلاس اعضای هیأت علمی بررسی نمایند.

### سپاسگزاری

نویسندگان بر خود لازم می‌دانند از تمام مدیران و اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی کاشان که در این پژوهش ما را یاری نمودند، تقدیر و تشکر به عمل آورند.

اعضای هیأت علمی با مرتبه مربی، سبک مدیریت رفتار و سبک مدیریت افراد در اعضای هیأت علمی با مرتبه استاد کمی بیشتر از دیگران بود، اما این تفاوت‌ها فقط در مورد مدیریت آموزش معنی‌دار مشاهده شد. استدلال می‌شود که مرتبه علمی بر مدیریت آموزش تأثیر دارد، اما روی مدیریت افراد و مدیریت رفتار تأثیری نمی‌گذارد و با توجه به نتایج، استادان دارای مرتبه علمی مربی دارای مداخله بیشتری در مدیریت کلاس هستند. در مدیریت آموزش، استادان دارای مرتبه علمی استاد از بقیه مداخله‌گرتر می‌باشند و یا به عبارت دیگر، استادان با مرتبه علمی بالاتر به مدیریت آموزش اهمیت بیشتری می‌دهند؛ چرا که مدیریت افراد برایشان اهمیت کمتری دارد.

### نتیجه‌گیری

نتایج نشان داد که بالاترین میانگین، مربوط به سبک مدیریت آموزش و رویکرد مدیریتی در دانشگاه علوم پزشکی کاشان از نوع مداخله‌گر بود. یکی از دلایلی که استادان از سبک مداخله‌گر استفاده می‌کنند، آن است که سیستم مدیریتی و آموزشی دانشگاه‌ها به طور معمول متمرکز است و برنامه درسی و طرح درس در ابتدای ترم به استادان داده می‌شود که باید از آن پیروی کنند و استادان به طور کامل خودشان مسؤولیت کامل تدریس و آموزش را بر عهده می‌گیرند. در نظام آموزشی رویکرد معلم محور حاکم است و جو کلاس و محیط فیزیکی کلاس‌ها به صورت ردیفی و سنتی است.

دلیل دیگر، وجود کلاس‌های شلوغ و کمبود وقت و زمان لازم است که یک موضوع درسی در یک ترم ارایه می‌شود و دانشجو مجبور به گرفتن و پاس کردن درس‌ها می‌باشد و استادان هم مجبور هستند در جلسه‌های کوتاهی که برای درس گذاشته شده است، مطالب را طبق سرفصل روئوسی که به آن‌ها داده می‌شود، آموزش دهند و روش‌های آموزشی آن‌ها به طور

### References:

1. Konti F. Teachers and students perceptions towards teachers' classroom management

applications in primary schools. *Procedia Social Behav Sci* 2011; 15: 4093-7.

2. Marzano RJ, Marzano JS. The key to

- classroom management. *Educational Leadership* 2003; 61(1): 6-13.
3. Bru E, Stephens P, Torsheim T. Students' perceptions of class management and reports of their own misbehavior. *J School Psychol* 2002; 40(4): 287-307.
  4. Djigic G, Stojiljkovic S. Classroom management styles, classroom climate and school achievement, *International Conference on Education and Educational Psychology. Procedia - Social and Behavioral Sciences* 2011; 29: 819-28.
  5. Dahar MA, Faize FA, Niwaz A, Hussain MA, Zaman A. Relationship between the leadership styles and academic achievement at the secondary stage in Panjab (Pakistan). *International Journal of Academic Research* 2010; 2(6): 459-62.
  6. Tal C. Case studies to deepen understanding and enhance classroom management skills in preschool teacher training. *Early Childhood Education Journal* 2010; 38(2): 143-52.
  7. Khalkhali A. The developing model for delivery health classroom management. *Educational Psychology Journal* 2010; 1(2). [In Persian]
  8. Martin N, Baldwin B. Construct validation of the attitudes & beliefs on classroom control inventory. *J Classroom Interaction*. 1998; 33(2): 6-15.
  9. Adelman HS, Taylor L. Classroom climate. In: Lee, S. W., Lowe, P. A. & Robinson E. (Eds.). *Encyclopedia of School Psychology*. Thousand Oaks, CA: Sage; 2005.
  10. Walfgang CH, Glickman CD. *Solving discipline problems: Strategies for classroom teachers*. Boston: MS: Allyn and Bacon, Inc; 1980.
  11. Kaykci K. The effect of classroom management skills of elementary school teachers on undesirable discipline behavior of students. *Procedia Social and Behavioral Sciences* 2009; 1(1): 1215-25.
  12. Adeyemo SA. The relationship between effective classroom management and students' academic achievement. *European Journal of Educational Studies* 2012; 4(3): 367-81.
  13. Ghias F, Ahmed A. A study of the effect of management styles on performance of students at secondary level in sargodha. *Procedia-Social and Behavioral Sciences* 2012; 46: 2523-7.
  14. Djigić G, Stojiljković S. Design learning protocol for classroom management styles assessment designing. *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 2012; 45: 65-74.
  15. Evrim EA, Gokce K, Enisa M. Exploring the relationship between teacher beliefs and styles on classroom management in relation to actual teaching practices: a case study. *Pocedia- Social and Behavioral Sciences* 2009; 1(1): 819-28.
  16. Kukuru JD. Expression of classroom management principles by secondary schools' teachers. *International Journal of Educational Administration and Policy Studies* 2011; 3(11): 179-90.
  17. AP Idu. (2012). Classroom management as a control strategy for promoting quality education in Nigeria. *Mediterranean Journal of Social Sciences* 2012; 3 (16): 174-9.
  18. Kostis T, Efthymia P. Responsive classroom management in a multicultural school context. *Synergies Sud-Est europeen* 2009; 2: 169-76.
  19. Ramzani Nejad R. The problems of managing physical education classes on base teacher's views. *Modern Olympic*. 2003; 11(24): 41-50. [In Persian]
  20. Sharifian F, Nasr AR, Abedi LA. Determining indicators of effective classroom management in universities and higher education institutions. *Foundations of education*. 2008; 8(1). [In Persian]
  21. Niaz Azari K, Madah MT, Amoei F. Evaluation of the efficiency masters at University of Azad in classroom management. *J Educ Leadership Administration*. 2008; 2(2): 147-64. [In Persian]
  22. Rajaeipour, S. The study of relationship between classroom management and learning climate in middle school. *New Educational Approaches*. 2008; 4(1): 23-40. [In Persian]
  23. Samadee P, Rajaa'eepoor S, Aaghaahosainee T, Falaavandee H. Classroom atmosphere and management by guidance teachers of Oroomiyeh. *New Thoughts on Education*. 2008; 4(1-2): 155-76. [In Persian].
  24. Aali A, Amin Yazdi A. The effect of teacher

- traits on classroom management style. Educational and Psychology Studies. 2008; 9(1): 73-91. [In Persian]
25. Aria Pouran S, Azizi F, Dinarvand H. The relationship between teachers classroom management style with motivation and students mathematical achievement in fifth class. School Psychology. 2013; 2(1): 23-41. [In Persian]
26. Rahimi, M, Asadollahi F. EFL teachers' classroom management orientations: investigating the role of individual differences and contextual variables. Procedia - Social and Behavioral Sciences 2012; 31: 43-8.
27. Miller R, Pedro J. Creating respectful classroom environments. Early Childhood Education Journal 2006; 33(5): 293-9.
28. Bakhshayesh AR. Investigating the relationship between classroom management styles and personality traits of yazd primary school teachers. New Approach in Educational Management. 2014; 4(14): 185-98. [In Persian]
29. Alavi K, Solimani Z. A comparison of teachers' beliefs and attitudes towards class control, New Approach in Educational Management. 2014; 4(14): 115-36. [In Persian]

## The Study of Classroom Management Styles of Faculty Members in Kashan University of Medical Sciences, Iran

*Mohammad Amini*<sup>1\*</sup>, *Hamid Rahimi*<sup>2</sup>, *Zahra Gholamian*<sup>3</sup>

1. *Ph.D. in Curriculum and Instruction, Department of Curriculum and Instruction, School of Humanities, University of Kashan, Kashan, Iran*
2. *Ph.D. in Educational Administration, Department of Curriculum and Instruction, School of Humanities, University of Kashan, Kashan, Iran*
3. *M.Sc. Student, Department of Curriculum and Instruction, School of Humanities, University of Kashan, Kashan, Iran*

• Received: 23 Jun, 2014

• Received Corrected Version: 9 Aug, 2014

• Accepted: 9 Aug, 2014

**Background & Objective:** Classroom management is a key variable in creating a desirable environment for students' training and learning. Today, equipping professors with managerial skills in planning for professional education, especially medical education, is necessary. Thus, the aim of this research was to investigate classroom management styles of faculty members in Kashan University of Medical Sciences, Iran.

**Methods:** This was a descriptive survey. The statistical population consisted of all faculty members of Kashan University of Medical Sciences (n = 182). Through stratified random sampling method, 114 individuals were selected. We used a standard questionnaire to assess classroom management styles. The questionnaire consisted of 25 4-point items and 3 styles of education management (questions 1 to 13), people management (questions 14 to 21), and behavior management (questions 22 to 25) based on 3 approaches (interventional, interactive, non-interventional). The validity of the questionnaire was confirmed using content validity. The reliability of the questionnaire was also confirmed using Cronbach's alpha coefficient ( $\alpha = 0.82$ ). Data analysis was performed using descriptive statistics (frequency, percentage, and mean and standard deviation) and analytical statistics (ANOVA and Student's independent t tests).

**Results:** The mean of each classroom management style was higher than the estimated average (2.5). The highest average was that of education management style (2.75). Based on the obtained means, classroom management (68.28) was an interventional approach.

**Conclusion:** Findings showed that university faculty members, respectively, have the highest regard for education management and people management, and the least regard for behavior management.

**Key Words:** University of medical sciences, Classroom management styles, Management approach, Faculty members, Iran

\*Correspondence: Department of Curriculum, School of Humanities, University of Kashan, Kashan, Iran

• Tel: (+98) 31 5591 2726

• Fax: (+98) 31 5591 2726

• Email: amini2740@yahoo.com